

بسطامی بوده است توجه فرمائید: هان تا سررشته خرد گم نکنی خود را ز برای نیک و بد گم نکنی رهرو توئی و، راه توئی، منزل تو هشدار که راه خود به خود گم نکنی یکی از ویژگی های عرفان بایزید بسطامی این آزاد مرد آزاداندیش ایرانی ایشار مطلق در مال است. گفته اند مسلمانی متمکن در بسطام از بایزید سؤال کرد که حد نصاب پرداخت زکات مال چقدر است؟ بایزید از او پرسید زکات مال تو یا زکات مال من؟ آن شخص جواب داد مگر فرق می کند؟ گفت آری اگر زکات مال تو باشد طبق مقررات شرع اسلام چنین است: هر دو بیست درهم پنج درهم و قس علی هذا و اگر زکات مال من باشد، همه مالم به درویش و مستحق تعلق دارد. بایزید در ضمن اشتغال به کار زراعت و دامداری به ارشاد مردم به سوی کمالات معنوی می پرداخته و از بدل مال و کمک در حق مستمندان و نیازمندان فرو گذار نمی کرده است.

به راستی در این سؤال و جواب به ظاهر دینی چه رمز و راز عجیبی نهفته است و این خود نمایانگر استقلال رای و ایثار غیرمحدود این عارف بزرگ ایرانی و آزاداندیشی و مردم گرایی و سرانجام شیوه والای انسان سالاری است که پیروان خود را بدان رهنمون گردید. در پایان باید اضافه کنم که از لحاظ صنایع ادبی به ویژه نثر مسجع عرفانی بایزید بسطامی پیشرو و پیشوای مورد توجه و احترام خواجه عبدالله انصاری عارف مشهور قرن پنجم هجری و شیخ ابوالحسن خرقانی محسوب می شود و با در نظر گرفتن این ارتباط و اعتقاد معنوی تردیدی نیست که مناجات های عمیق و دلنشین بایزید بسطامی سرمشق گویای مناجات های خوش آهنگ و سوزناک خواجه عبدالله انصاری بوده است.

بدین تحقیق باید گفت که ادبیات پارسی ابتکار گفت و شنود دو جانبه بدون تکلف روح را با خدا به صورت یک گفتار که همان «مناجات» باشد مدیون سلطان العارفین بایزید بسطامی است که از طریق شیخ ابوالحسن خرقانی هم شهری و مرید مجذوب روحانی بایزید به خواجه عبدالله انصاری و سپس به سعدی و دیگر نویسندگان و شاعران ایرانی به صورت نثر هنرمندانه مسجع منتقل شده و کمال یافته است.

حسن تو فزون است ز بینائی من
راز تو برون است ز دانائی من
در عشق تو انتهاست تنهائی من
در وصف تو عجز است توانائی من
به خوانندگانی که علاقمند به مطالعه بیشتر در مورد زندگی و احوالات بایزید بسطامی هستند توصیه میشود به کتاب سلطان العارفین بایزید بسطامی تألیف عبدالرفیع حقیقت (رفیع) رجوع نمایند.



جای نیست. روزی که شمس تبریزی عارف بزرگی که از چشمه عرفان بایزید بسطامی سیراب شده بود گذارش به قونیه افتاد و در بازار شهر سر راه مولوی را که با تبختر و طمطراق در معیت شاگردان و مریدانش از مسجد به منزل بر می گشت گرفت و گفت: صراف عالم معنی: محمد بزرگتر بود یا بایزید؟ زندگی و سرنوشت مولوی به کلی عوض شد. در آن روز سرنوشت ساز، مولوی که از سؤال گستاخانه شمس به خشم و وحشت افتاده بود پاسخ داد: محمد خاتم پیغمبران است- او را با بایزید چه نسبت؟ شمس گفت: پس چرا محمد ما عرفناک حق معرفتک گفت و بایزید: سبحانی ما اعظم شأنی؟ چرا محمد چنین گفت و بایزید چنان گفت؟ ترجمه فارسی این سؤال شمس چنین است: محمد گفت: خدایا ما تو را آنچنان که شایسته توست نشانخیم و بایزید گفت: تسبیح بگوئید مرا چقدر شأن من والا است!

مولوی از شنیدن این سخن شدیداً متقلب شد، از مرکبی که بر آن سوار بود پیاده شد دست شمس را گرفت و او را به خانه اش دعوت کرد. تحولی که در شخصیت و افکار مولوی در نتیجه هم صحبتی و معاشرت او با شمس در طول دو سال و اندی پس از این روز تاریخ ساز ایجاد شد از ملای قونیه مولای تمام دوران ساخت. شمس تبریزی که از چشمه عرفان و فضل بایزید سیراب شده بود این معرفت استثنائی را به مولوی انتقال داد و مولوی نیز پس از مستغرق شدن در این بحر مواج از هفتصد سال قبل تا امروز جهانیان را مست از نشئه جاودانی عشق و عرفان ساخته است.

جرقه عرفان بایزید از طریق شمس خرمن وجود مولوی را به آتش کشید تا گرمی و سوزندگی آن حیات مشتاقان و پویندگان وادی حقیقت را صفا دهد و روشن سازد. در این مقوله به یک رباعی زیبا از شیخ شهاب الدین یحیی سهروردی (شیخ اشراق) فیلسوف نامی ایران در قرن ششم که از شاگردان و مریدان مکتب عرفان بایزید

سیر و سفری در گلستان ادب پارسی

از رودکی تا فروغ

گردآوری و نگارش: مهندس پرویز نظامی

بایزید بسطامی (بخش آخر)

ابوالخیر، عین القضاة همدانی، محی الدین عربی و بالاخره شمس تبریزی و مولانا جلال الدین محمد بلخی به سر حد کمال رسیده است. روشن تر اینکه بایزید بسطامی یکصد سال قبل از حسین منصور حلاج یعنی در پایان قرن دوم هجری ندای «اناالحق» وصل به حق یا تفکیک ناپذیری سلسله وجود را سر داده و گفته است «سبحانی، سبحانی ما اعظم شأنی» یعنی «تسبیح بگوئید مرا چقدر شأن من والا است» و به همین جهت بایزید پیشوای یکتا و بی همتای حسین منصور حلاج عصیانگر موحد قرن سوم هجری و دیگر عارفان حقیقت جوی و بی باک ایرانی است که اندیشه های والای انسانی و جهانی را با الهام گرفتن از فلسفه ایران باستان «حکمت اشراق» در قرن های نخستین اسلامی به شیوه ای نو به نام نهضت عرفان ایرانی جلوه گر ساخته است چنانکه سنائی گفته است:

با یزید ار بگفت سبحانی

نه ز جهلی بگفت و ویلانی
آن زبانی که راز مطلق گفت

راست جنبید کو «انا الحق» گفت
در همین زمینه علامه محمد اقبال لاهوری متفکر بزرگ مشرق زمین درباره «انا الحق» بایزید بسطامی و حسین منصور حلاج چه زیبا سروده است.

«ان الحق» جز مقام کبریا نیست

سزای او چلیپا هست یا نیست
گر فردی بگوید سرزنش به
وگر قومی بگوید ناروا نیست
به جرأت می توان گفت که اگر اندیشه ها و تعالیم عرفانی بایزید بسطامی نبود هرگز ابر مردی چون مولوی در تاریخ ایران ظهور نمی کرد. اجازه دهید در این مورد کمی توضیح دهم:

مولوی در سن ۳۸ سالگی فقهی بود دانشمند و واعظی متشعر، متنفذ و پر قدرت- جهان اسلام و به خصوص ایران از این گونه فقها و واعظ بسیار داشته است و همه در بوته فراموشی افتاده اند و نام و اثری از ایشان به

چهار صد سال پس از وفات بایزید بسطامی، جلال الدین محمد بلخی مولوی این ندای انسانی او را در دیوان شمس چنین باز گو کرده است:

طواف کعبه دل کن، اگر دلی داری
دلست کعبه معنی، تو گل چه پنداری
طواف کعبه صورت حقت بدان فرمود
که تا به واسطه آن دلی به دست آری
هزار بار پیاده طواف کعبه کنی

قبول حق نشود گر دلی بیازاری
بده تو ملک و مال و دلی به دست آور
که دل ضیاء دهدت در لحد شب تاری
هزار بدره زر گر بری به حضرت حق
حقت گوید: «دل آر، اگر به ما آری»
مدار خوار دلی را، اگر چه خوار بود

که بس عزیزست دل در آن خواری
عمارت دل بیچاره دوصد پاره
ز حج و عمره به آید به حضرت باری
کنوز گنج الهی دل خراب بود

که در خرابه بود دفن گنج بسیاری
اگر سعادت و اقبال گشت مطلوبت

شوی تو طالب دل ها و کبر بگذاری
چو هم عنان تو گردد عنایت دل ها
شود منافع حکمت ز قلب تو جاری
روان شود ز لسانت چو سیل آب حیات

دمت بود چو مسیحا، دواى بیماری
«خموش» وصف دل اندر بیان نمی گنجد

اگر به هر سر موئی دو صد زبان داری
بایزید بسطامی نخستین عارف پر قدرت و تیزبین و صاحب نظر و جسور ایرانی است که برخلاف اعتقادات سطحی و ظاهری عامه مردم قد علم کرده و بدون وحشت از غوغای عوام وحدت یا هم بستگی وجود را با بی باکی و اصراری کم نظیر به صورت ارزنده و براننده ای در گفتار و کردار و اندیشه خود متجلی کرده است و پایه گذار مکتب جدیدی در عرفان شده که بعد از او به وسیله عارفان از خود گذشته و حقیقت جو مانند حسین منصور حلاج شیرازی، شیخ ابوالحسن خرقانی، شیخ ابوسعید



علی محمدی
President

SFC
Silicon Financial Corp.
Real Estate Loans - Refinance - Purchases

مشاوران وام و املاک

تیم مجرب، آگاه و پر تلاش

۱-۸۸۸-۹۷۸-۵۶۲۶



رزی بیگلری
Broker

برای خرید و فروش زمین، ساختمان مسکونی و تجاری و همچنین
برای دریافت وام با مشاوران با تجربه و آگاه تماس حاصل فرمایید.

انواع وام های بدون دستمزد و بدون خرج

خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری و تهیه املاک و زمین جهت سرمایه گذاری
با تخصص در اخذ وام های ساختمانی (Construction) و زمین های مسکونی و تجاری

Give Us A Chance To Beat Any Advertised Rates!

REALTY
WORLD

(408) 244-0555

922 Saratoga Ave., Suite 100, San Jose, CA 95129

